

[illegible]

الملك

البرية حتى يبلغ الجبل في ستم الجبال المقالة السادسة
و السابعة
يانشأ في الفرات و يمشد يد الماشق في
الارفاق كم تفرغ و جبه الدرس كاكوشا ت و كم غشبة د
الغبار كاكوشا ت و جبه الدرس كاكوشا ت و كم غشبة د

و السیاق

[illegible][illegible]

الرابعة والساقون الحاذق اذا جاء شغل الفنى لم يؤمله

[illegible]

بسم محمد بن الحنفية
قليل ما في الجهم

[illegible]

[illegible]

بی و صلوات رحمت و فیروزت بر خیزد تا از تنم تو را بداند بسیار
الکون و ابد انظار و دورم برسد منهدم کنی پیش من و در بسیار
مرز و جوار زمین جدا افتد مشتاقان گفتند ما با تو چه داریم و در خدمت
صفت بر تو خود را تو را ندیدم پر عاشرت اگر نه که ما را همچو کدو بر داشت
که میگردانم و در دل بیست و نهم حکم را بیست و نهم و در سوزن کشیم
معدن که در کدو کبیر و در دانه آینه قد می بیند بنده هم و بنده که در دانه
تسلیم کشیم در سحر و طلوع و غروب و در کدو کبیر و در دانه آینه
تسلیم کشیم در سحر و طلوع و غروب و در کدو کبیر و در دانه آینه
تسلیم کشیم در سحر و طلوع و غروب و در کدو کبیر و در دانه آینه

در این باب فایده بسیار است و در این باب نیز از خود گوشت

تلاوت مستحبات ہر پنجابری اورو نماز میں کو بیجا کر

محبته با بجايت و سدا ازا عشق حاضره و كودند

مغزیه و عین حاضر از عین است زیرا که عین عینی عین است

ما حد کتبها عشق باشد و کتبها حق را و مرصفاست زبانا و کلام

کجی صرفہ با سدا انا ہم عمر نہ محنت با سدا انا ہم عمر نہ دوہر متناہر

قل كذبوا اني انا الحق قل انما اريد ان اذيع اليكم الكتاب واذيع اليكم الكتاب واذيع اليكم الكتاب

عاشق و عالم هر چه با بیار طایفی کی آید از غیر مخصوص اند و کمال و عظام

مذ و نشر انسا طالبا ليا شانه و خواهند که خود را انجا رسا نم

یہ دوسرے سال ہی پہنچتا ہے مگر بعد میں دراز آجائے گا

و اینست حاصل خبر نام حضرت علی علیه السلام است که مسلمانان را

کتابخانه ملی ایران

صاحب دایم از اینجا می گوید و ادوات قریب صبیح حاصل می آید و از

محبت فیروز از دادم عبدالوہاب

من است مخلصم ما به عشق است که بالا آمد است خواند رسیدن دارد

عزت و محبت در پایه سر دستان مبارک است **صلوات**

ست اینجا که عالم عشق ضلالت عالم معرفت و محبت و اصلاح و

بنا علما را شرح خدا را مثل ابا عبد و از اخی گنبد آمد

حق جی از دودا نبرد عاشقی کج رسیده را نبرد

عشق را از عشقه گرفتند از آن کجای است که در میان

...

یوسف دای بیعتی که گفت ای بدترین تعبیر آن خدایت که انوک

[illegible]

کروا کی غشت را بدارند و عاقلان حشمتان بنده و خود را
طالب و بالبطور رسا هر چه بداند که در آن مستعدان

در بنمای احمد در ۵۰ حسن لهر و نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

نظامیہ کے تحت لکھی گئی ہے۔

[illegible]

شکسته و لا میت باشد از آنجا که او را در آنجا دفن کردند

تجدید و ترقی و اصلاح و آبادانی و غیره

بسم الله الرحمن الرحيم

احمد بن سليمان بن عيسى
حسن دود وليم دود وداود

و اما چگونه است پیش رویشان تا خانه مال از وی و مالدار و دود و

سعادۃ کسی بروی بدو رسد کہ از مستغنیان عالت باشد

و شش هر کسی را بخود و او بدو دهد و همه جای نگرانی بهر دو دهنی

میں تو ان رسدنی زبیر اکا وصول کیں مکن فخر ادا ہو اسطرح عشق

و در آن می گویند که خود را محسن رسا مدینه و مظهر است و شعار

محکم دہائی چیل کر لی وافریشہ لی بعد ہذا بحسن اد

دو عالم و عجب عالم و معجزه امام و انبیا و اولاد امیر

۱۱۴۰

بدره نظر ماها صبی است بی حالت و محسوس

یوم و ایات الله مستور بنا انما المستور

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

卷之四

این بر در خط خواجہ نصیر الدین جلالی محمد بن
 به طاعت نصیر الدین محمد بن خواجہ نصیر الدین ۹۷۲ ۱۸
 اتفاق افتاد است

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

۲۰

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹

محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹
 محمد بن ابی اسحاق ۵۹۷-۶۲۲ ۲۱۹